توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۸ / چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۷ / ۲۰ شوال ۱۴۳۹ / ۴ جولای ۲۰۱۸

PDF Compressor Free Version

ماجرای قتل داخل زندان رجایی شهر

شکار خونین عقاب در زندان



گروه حوادث: وحید مرادی معروف به عقاب که بخاطر قتل دوستش به زندان افتاده بود در ساعت هواخوری کشته شد.

قتل در میهمانی ولنجک

روز ۲۶ اردیبهشت ماه سالجاری وحید مرادی که بتازگی از زندان آزاد شده بود و هنوز بخاطر جراحت پایش با ۷ گلوله پلیس به سختی و با عصا راه می رفت از سوی یکی از دوستان قدیمی اش به نام حسین به آپارتمان مدرن ولنجک دعوت شد تا در میهمانی شرکت کند. این شرور که به عقاب ایران شهرت داشت و بخاطر فعالیت هایش در اینستاگرام یکی از شاخ های فضای مجازی بود حتی پول هزینه تاکسی را نداشت که حسین از او می خواهد با آژانس نزدش رفته و پول کرایه ماشین را خودش برعهده می گیرد.

فیلم های دوربین های مداربسته ساختمان نشان می دهد که وحید با رسیدن جلوی در خانه از سوی حسین مورد استقبال قرار می گیرد و با خوش وبش بسیار و در حالی که حسین کرایه آژانس را می پردازد با هم به داخل خانه می روند. ساعتی بعد دوربین های داخل ساختمان نشان می دهند که دو جوان وحشت زده پیکر خونین و نیمه جان حسین را که خونریزی داشت از آسانسور خارج کرده و تا جلوی در خروجی می برند و همانجا روی زمین می گذارند تا ماشین را آماده انتقال به بیمارستان کنند.

فرار تامرز

در همین اوضاع آشفته، وحید مرادی که چاقویی در دست دارد از آسانسور خارج می شود و وقتی بالای سر حسین می رسد ضربه ای با چاقو به دوست دیگرش می زند و با ترک ساختمان فرار می کند.

۲ روز بعد

یک روز نگذشته بود که ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران بارد گیری های تخصصی توانستند وحید مرادی را در مرز بازرگان که می خواست به ترکیه فرار کند به دام اندازند.

اعتراف

وحید وقتی تحت بازجویی قرار گرفت در بازجویی ها گفت: من میهمان بودم و حسین از دوستانم بود آن روز خیلی با احترام دعوت شدم اما در بزمی که داشتیم حسین قاطی کرد و مرتب به من و خانواده ام ناسزا گویی کرد. او جلوی دوربین موبایل و در اینستاگرام من را تحقیر کرد. خواستم این کار را نکند اما دست بردار نبود. من هم در حال خودم نبودم قاطی کردم و با چاقو ضربه ای به او زدم. من آدمکش نیستم و ضرباتم حرفه ای است نمی دانم چرا حسین کشته شد. وقتی با عصبانیت خانه را ترک کردم او هنوز زنده بود تا اینکه شنیدم کشته شده است و فرار کردم تا به ترکیه بروم اما انگار من را فروختند و دستگیرم کردند.

عقاب در زندان

با دستور بازپرس جنایی تهران وحید مرادی تا زمان محاکمه در دادگاه کیفری تهران به زندان رجایی شهر و این بار برخلاف دوره های زندان قبلی که در بند های اوباش دوره زندانش را می گذراند به بند قاتلان انتقال یافت.

قتل در زندان

صبح روز دوشنبه وقتی ساعت هواخوری زندانیان بود وحید مرادی به همراه نوچه هایش به حیاط زندان رفت و در آنجا با توجه به اینکه گروهی از زندانیان این شرور معروف را مسخره کرده بودند بین دو گروه درگیری رخ داد که با میانجیگری دیگر زندانی ها خیلی زود پایان یافت. هنوز دقایقی نگذشته بود که باز هم این دو گروه به جان هم افتادند و همه دیدند که وحید مرادی با ضربه شیئی برنده خون آلود روی زمین افتاد. وحید مرادی کشته شد و ماجرای قتل به پلیس و بازپرس جنایی تهران مخابره شد.

تحقیقات در زندان

عصر بود که تیمی از اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران خود را به زندان رجایی شهر کرج رساند و پس از بازجویی های تخصصی پی بردند که قتل با ۵ ضربه چاقو صورت گرفته و ۳ زندانی که چاقوهای دست سازی داشتند در این قتل دست داشته اند.

در این بین همه فرضیه ها به سمت قاتلی به نام سعید معروف به سمور که از اوباش سطح یک جنوب تهران است رفت و این در حالی بود که در این میان ۲ زندانی دیگر نیز مظنونان اصلی در قتل شناخته شدند.

سعید سمور کیست؟

ساعت ۱۰ شب ۱۳ بهمن ماه سال گروهی اوباش در خیابان آشتیانی محله منصور تهران با قمه و قداره به جان هم افتادند و صدای تیراندازی هم شنیده شده بود. وقتی ماجرای وحشت آفرینی این قداره کش ها به کلانتری ۱۵۹ بی سیم مخابره شد تیمی از ماموران خود را به محل حادثه رساندند و خود را بالای سر جسد خونین مرد ۴۷ ساله ای به نام علی. ن دیدند که بر اثر اصابت گلوله های ساچمه ای تفنگ شکاری کشته شده بود. با توجه به فرار عاملان این جنایت ماجرای این قتل بلافاصله به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

تحقیقات نشان داد عامل اصلی جنایت شرور سرشناسی معروف به سعید سمور است که در منطقه بی سیم اسم و رسمی دارد و روز جنایت به همراه یکی از نوچه هایش به نام عبدالله. ش با استفاده از تفنگ شکاری و شمشیر مقتول و سه شرور دیگر را هدف قرار داده است. کارآگاهان در نخستین مرحله عبدالله. ش را تحت ردیابی قرار دادند و مشخص شد که او در سال ۸۸ پس از یک قتل دستگیر شد و تا ۶ ماه پیش در زندان بوده اما با رضایت خانواده مقتول و پرداخت دیه از زندان آزاد شده است. تیم های جنایی پلیس پس از اقدامات اطلاعاتی در دو عملیات همزمان ساعت ۱۰ شب ۱۵ بهمن سال ۹۵ هر دو شرور جنایتکار را دستگیر کردند. سعید معروف به سمور در بازجویی ها با دروغ پردازی سعی کرد خود را بی گناه نشان دهد اما عبدالله اعتراف کرد سعید سمور با شلیک گلوله اقدام به کشتن مقتول کرده است.

بررسی ها نشان داد سعید سمور در یک سرقت مسلحانه ی طلافروشی در لاهیجان حضور داشت.

قاتل کیست؟!

ظهر دیروز ۳ مظنون این پرونده به پلیس آگاهی تهران انتقال یافتند و این در حالی بود که هیچکدام قتل را به گردن نمی گرفتند.

سعید سمور و عباس که هر دو قاتل هستند وقتی به دادسرای امور جنایی تهران اعزام شدند تحت بازجویی قرار گرفتند. عباس که با رضایت گرفتن از خانواده مقتول قرار نبوده اعدام شود و پس از تحمل زندان باید آزاد می شد وقتی خود را در برابر اتهام قتل وحید مرادی دید گفت: من در درگیری حضور داشتم چاقو هم زدم اما به قلبش نزدم.

وی افزود: وحید مرادی وقتی به زندان آمد با نوچه گیری و ادعا و قدرت نمایی خیلی اذیتمان کرد هر روز یک درگیری داشتیم تا اینکه درگیر شدیم ما هر سه چاقوی دست ساز داشتیم و ضربه زدیم اما من به قلبش ضربه نزدم.

سعید سمور هم گفت: من متوجه بودم که نباید ضربه کاری بزنم خیلی هم دقیق بودم اصلا ضربه ای به قلبش نزدم و در قتل بی گناهم.

بنابه این گزارش؛ متهم سوم که او نیز در دو قتل مقصر شناخته شده است نیز با وجود اینکه در دادسرا حضور نداشت اما ادعاهای مشابهی را مطرح کرده است. این گزارش حاکیست، دوربین های مداربسته زندان لحظه قتل را ضبط کرده اند و تنها کلید برای شناسایی قاتل اصلی هستند که تاکنون سعید سمور معرفی شده است و شاید یکی از دو مظنون دیگر باشد.

یادداشت

اشرار؛ رابین هوودهای محبوب امروزی!

مهدی ابراهیمی، روزنامه نگار

وحید مرادی یکی از اوباش های تهران است که در کمتر از یک هفته به چهره سرشناس تبدیل شده است مردی با هیبتی مخوف، خالکوبی های آنچنانی و رفتارهای مهاجم و خشن.

شاید هر زن و مرد یا کودکی در هر رهگذری فرقی ندارد دروازه غار باشد یا نیاوران این شرور را با نوچه هایش می دید حتما با یک کابوس مواجه بود اما بعد از یک قتل وحید مرادی به یک محبوب دل ها تبدیل شد انگار نه انگار همین اوباش بارها و بارها با جرایم مختلف و شرارت باعث ترس و وحشت تهرانی ها شده و آخرین بار هم در تعقیب و گریز پلیسی وقتی با قمه سعی داشته به ماموران حمله کند با شلیک ۷ گلوله به پایش دستگیر شده بود.

وحید مرادی یکی از هم پالگی هایش را کشت انگیزه هر چه بود میهمانی اوباش هیچ وقت بی دردسر نبوده اما بعد از دستگیری این شرور معروف که قبلا هم در فضای مجازی اسم و رسمی به هم زده بود چهره ای از او به جامعه معرفی شد که انگار یکی از بی گناه ترین انسان های روی زمین دست به خطایی ناخواسته زده است.

عجیب تر اینکه قاضی شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران در پست اینستاگرامی خود بنابه دلایل نامعلومی به طرفداری از این اوباش پرداخت برخی از خبرنگاران هم تحت تاثیر ادبیات به قول قدیمی ها داش مشتی وحید مرادی در رسانه ها یا صفحات اینستاگرام خود حمایت هایی از این شرور کردند باز عجیب تر اینکه از کارآگاه پلیسی شنیدم که وحید دل مهربانی دارد و...

وحید مرادی به زندان افتاد به بند قاتلان شاید هربار دستگیر می شد همسلولی هایش اوباش و دزد بودند او در زندان هم قدرت نمایی می کرد اما این بار هم بندی هایش همگی قاتل بودند و اسم و رسم دار همگی زیر تیغ بودند و به قول معروف به آخر خط رسیده و این بار وحید مرادی با وجود اینکه باز دورو برش نوچه هایی داشت وقتی با قاتلی حرفه ای که لقب سمور را به یدک می کشید درگیر شد به قتل رسید و لابد همه فالورهای اینستاگرامی اش را غمزده کرد

اینکه چه اختلال اجتماعی ای در کشورمان رخ داده که مجرمان نیز محبوب دل ها می شوند جای تامل دارد چرا که یک ماه پیش نیز دزد مسلح همدانی که بخاطر وحشت آفرینی به اعدام محکوم شده بود از سوی حتی بازیگرهای سرشناس مورد حمایت قرار گرفت و شاهد محبوبیت اشرار که بارها باعث ناامنی برای زنان و مردان حتی کودکان شده اند در فضای مجازی هستیم.

بی شک اتفاق های تلخی که در صدر اخبار قرار دارند و از دزدی های میلیاردی و اختلاس های نجومی نزد مسئولان عالیرتبه خبر می دهند نوعی واکنش اجتماعی را در پی داشته و خیلی از مردم با نیم نگاهی به این اتفاق های عجیب اقدامات دزدان خرده پا و خلافکارهای شهری را کم اهمیت و حاصل نابسامانی های اقتصادی می دانند و در قضاوتی ناشی از مقیاس های اشتباه به حمایت از مجرمانی می پردازند که انگار راهی جز وارد شدن به دنیای جرم و شرارت نداشته اند.

این رویکرد غلط جامعه را به سمتی پیش می برد که روزگاری نه چندان دور شاهد شکسته شدن حریم های اجتماعی و فروریختن اعتقادات خواهیم بود دزدان هم رابین هودهایی خواهند شد که در صف اعتراضی قشر کم درآمد برابر قشر مرفه جامعه قرار خواهند گرفت و اگر چاره جویی نشود و مسئولان به خود نیایند روزی شاید دزدی و شرارت نه تنها تقبیح نشوند بلکه مورد احترام و حمایت نیز قرار گیرند.

خبر

سرقت مسلحانه از طلافروشی در نهاوند

۴ مرد مسلح در نهاوند دست به سرقت از طلافروشی زدند. ساعت ۱۰ صبح روز گذشته طلافروشی میدان ابوذر نهاوند مورد سرقت ۴ فرد مسلح قرار گرفت. ۴ سارق مسلح با اسلحه کلاشینکف به صورت ممتد اقدام به تیر اندازی هوایی کردند و سپس به محض ورود به طلافروشی اقدام به ترساندن مردم و تیراندازی کردند و یکی از آن ها طلاهای پشت ویترین را جمع آوری کرد.

ماموران خیلی زود طرح مهار در جاده‌های ورودی و خروجی نهاوند برای دسگیری سارقان به اجرا گذاشتند اما دزدان موفق به فرار شدند. بنا به این گزارش، تحقیقات برای دستگیری سارقان مسلح ادامه دارد.

خبر

دوربین های مداربسته فاش کردند

۱۱ کودک در دام شیطان کانال آب

گروه حوادث: جوان شیطان صفت با طراحی نقشه ای پسربچه ها را به کانال آب می کشاند و مورد آزار و اذیت قرار می داد.

ایمان ۲۶ ساله از دی ماه سال ۹۶ نقشه های شیطانی اش را عملی کرد. وی به گفته خودش هر بار پس از مصرف شیشه به سراغ طعمه ای جدید می رفت و پسربچه ای را به دام می انداخت.

وی نخستین قربانی را ۲۷ دی ماه به دام انداخت و او را در کانال سرپوشیده آب در خیابان اردیبهشت شمالی در شرق تهران مورد آزار قرار داد.

نخستین کودک به پلیس گفت: از مدرسه به خانه بر می گشتم که مرد جوان سوار بر پراید سفید با شیشه های دودی جلوی راهم را بست و از من کمک خواست. وی گفت مادر بزرگش تعدادی گلدان خریده که برای جابه جایی نیاز به کمک دارد.

پسر ۱۳ ساله ادامه داد: من که فریب مرد شیطان صفت را خورده بودم سوار ماشین شدم. اما در بین راه راننده مرا تهدید به مرگ کرد. او می گفت چند روز قبل با برادر کوچکش دعوا کرده ام. هر چه گفتم اشتباه می کند قبول نکرد. او گفت برادرش با چوب به کمر من زده و احتمالا جای کبودی ها هنوز نمایان است. مرد جوان به زور مرا داخل کانال آب کشاند و ادعا کرد می خواهد جای کبودی روی کمرم را ببیند. مقاومت کردم اما مرا آزار داد و کانال را ترک کرد. او تهدیدم کرد در این باره به کسی حرفی نزنم. با این شکایت تلاش پلیس برای ردیابی متهم آغاز شد اما چند شکایت مشابه دیگر نیز به پلیس رسید. شواهد نشان می داد مرد پراید سوار به همین بهانه پسربچه ها را قربانی نیت شیطانی اش می کرد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که پسر جوان ۲ پسر بچه دیگر را در پارک لویزان هدف نیت شوم خود قرار داده است.

کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران با بررسی فیلم های دوربین مداربسته در نزدیکی کانال آب موفق به شناسایی شماره پلاک خودروی جوان شیطان صفت شدند و در عملیاتی غافلگیرانه این جوان دستگیر شد. متهم که یک سابقه کیفری نیز در پرونده‌اش دارد گفت: به خاطر مصرف مواد مخدر دست و تحت تاثیر شیشه به سراغ پسربچه‌ها می رفتم. در حالی که تعداد شکایت های مشابه به ۱۱ تن رسیده بود تنها ۶ن فراز شاکی ها پیگیر پرونده شدند و برای متهم اشد مجازات را خواستند.



بنا به این گزارش، قرار است ایمان ۲۴ تیرماه در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کند.

پلیس آگاهی تهران فاش کرد

ماموران قلابی در کمین فروشنده دلار



گروه حوادث: مرد جوان برای سرقت دلارهای یکی از بستگانش با ۳ تن از همدستانش تفنگ خرید و در نقش مامور قلابی دست به سرقت زد. اوایل خرداد ماه امسال مردی پای در کلانتری ۱۵۲ خانی آباد گذاشت و از گرفتار شدن در دام ماموران قلابی که مسلح بودند خبر داد. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه به دستور بازپرس پرونده وارد عمل شدند و در گام نخست طعمه ماموران قلابی را هدف تحقیق قرار دادند.

مرد جوان به ماموران گفت: عصر ۳۱ اردیبهشت ماه امسال برای فروش ۱۵ هزار دلار آمریکایی با یکی از بستگانم که سعید نام دارد به محل قرار ملاقات با خریدار دلارها به پاسگاه نعمت آباد رفتیم.

نزدیکی میدان ثارالله بودیم که ناگهان پراید سفید رنگی که ۳ مرد سوار بر آن بودند جلوی راه ما را بستند و در حالیکه مسلح بودند من و سعید را از خودرو پیاده کردند اما وقتی می خواستند دستبند به دست مان بزنند سعید توانست از دست آنها فرار کند.

مردان غریبه خودشان را پلیس معرفی کردند و سپس مرا سوار بر خودرو به سمت اتوبان فدائیان اسلام حرکت کردند که در میان راه متوجه شدم آنها قصد سرقت ۱۵ هزار دلار را دارند که لحظاتی بعد با تهدید پول ها را از من گرفتند و سپس مرا در اتوبان رها کردند.

کارآگاهان با توجه به اینکه دزدان از محل و ساعت قرار ملاقات مرد دلار فروش اطلاع داشتند احتمال دادند که ماموران قلابی از سوی شخص دیگری این اطلاعات را به دست آورده اند و این در حالی بود که تحقیقات فنی سعید را به عنوان مظنون اصلی پرونده معرفی کرد.

سعید روز ۳ تیرماه امسال در عملیات پلیسی دستگیر شد و ابتدا خود را در ماجرای سرقت دلارها بیگناه می دانست اما وقتی در برابر مدارک پلیسی قرار گرفت لب به سخن باز کرد.

سعید در اعترافاتش گفت: وقتی مرد دلار فروش به سراغم آمد و فهمیدم که قصد فروش ۱۵ هزار دلار را دارد ادعا کردم که یک خریدار برای دلارها می شناسم و سپس با ۳ تن از دوستانم که در شهرستان بهارستان بچه محل هستیم نقشه سرقت را طراحی کردیم.

وی افزود: همدستانم با خرید تفنگ و تجهیزات پلیسی در محل قرار ملاقات که به دروغ گفته شده بود حاضر شدند و با بستن مسیر حرکت ما اقدام به دستگیری مرد دلار فروش کردند و من نیز برای ردگم کنی پا به فرار گذاشتم و فکر نمی کردم نقشه مان لو برود.

همین کافی بود تا تیمی از کارآگاهان با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای دستگیری سارقان مسلح وارد عمل شوند در ۳ عملیات همزمان در ۵ تیرماه هر ۳ متهم دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه آنها ۱۵ هزار دلار سرقتی، تفنگ کلت، دستبند فلزی و بیسیم دستی به دست آوردند.

بنابه این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته اند.